

دیدیان

نگاهی به خاطرات خبرنگار ارشد

آسوشیتدپرس در آفریقا

هدف: خبرنگار مقابل

■ آیا خبرنگاری شغل خطرناکی است؟ آیا می‌توان به این پرسش پاسخی قطعی داد؟ بسیاری از خبرنگاران با تجربه بیا بیان خاطرات خود توانسته‌اند تا حدود زیادی به این پرسش پاسخ دهند. به‌ویژه خبرنگاران و عکاسانی که در مناقشات، درگیری‌ها و جنگ‌ها شرکت داشته و دارند، وجهه و سیمای دیگری از خبرنگاری را بنه مخاطبان خود ارائه می‌دهند. خطر برخورد با گروهی از شورشیان و تیراندازی مستقیم؛ آنان که هیچ‌گونه علاقه‌ایی به شنیدن حتی یک سطر از کنوانسیون‌های بین‌المللی در زمینه رعایت و محافظت از جان غیرنظامیان و خبرنگاران را ندارند. به قول رابرت رید، خبرنگار باسابقه آسوشیتدپرس: «وشن و چسباندن کلماتی چون Press (مطبوعات و خبرگزاری‌ها) یا TV (تلویزیون‌ها) روی جلیقه ضدگلوله یا خودروی خبرنگاران فایده‌ای که ندارد هیچ، برعکس آنان را تبدیل به هدفی شیرین برای جنگ‌جویان می‌کند. جنگ‌جویانی که به دنبال شکار هستند.» نمونه‌های متعددی از شلیک مستقیم به سمت خبرنگاران در سرزمین‌های اشغالی، چین، بوسنی و هرزگوین، آفریقا، عراق و افغانستان گزارش شده است.

با پرس‌وجویی ساده از خبرنگاران می‌توان به این نتیجه رسید که گویا آفریقا به لحاظ درصد مواجهه به افراد مسلح و شورش‌ی از بسیاری مناطق بالاتر است.

سیرالئون، کشور کوچک آفریقایی در دهه ۹۰ دچار آشوب‌های زیادی شد که سه نفر از خبرنگاران آسوشیتدپرس گزارش‌هایی را در این زمینه به جهان ارسال کردند.

صبح یک روز گرم ژانویه یان استواتر، خبرنگار ارشد AP با گوتن فیلسر و مایلز تی‌رینی، تصویربردار گشتی‌های دولتی همراه



شدند. استواتر می‌نویسد: «آگاهان با گروهی شبه‌نظامی مواجه شدیم که همگی مسلح به مسلسل خودکار AK۴۷ بودند. شلیک بی‌مقدمه آنان، همه را غافل گیر کرد. هدف اصلی آنان مایلز بود که دوربین خود را بر شانه گذاشته بود. تمامی شیشه‌های پنجره پشت سر مایلز شکسته شد. تیراندازی مداوم شورشیان خودروی خبری ما را که رویش نوشته شده بود TV کاملاً متهمد کرد. دوربین از دست مایلز افتاد و خون از سر و شانه‌اش جاری شد. خود من نیز به شدت زخمی شدم، طرف چپ بدنم کاملاً لافح شده بود. در همان حال بود که خودم را نه تنها یک خبرنگار جنگی بلکه یک سوزه خبری جنگی حس می‌کردم بله همگی تبدیل به هدف جنگجویان و موضوعی رسانه‌ایی شده بودیم.»

مایلز در دم کشته شد، گوتن فیلد بر اثر اصابت تکه‌های شیشه به شدت آسیب می‌بیند و یان استواتر، رییس دفتر منطقه‌ایی آفریقایی غربی آسوشیتدپرس نیز از ناحیه سر مجروح می‌شود. سربازان همراه تیم خبری نیز شورشیان را کشته و به سرعت راهی پایگاه نظامی خود شدند!

استواتر پس از گذراندن دوره نقاهت در بیمارستان،تجربیات خود را سروسامان می‌دهد.

وی در بخش پایانی خاطراتش در سیرالئون به نکته‌ایی بسیار کلیدی در حوزه خبرنگاری اشاره می‌کند: «هنوز که هنوز است یک سوال قدیمی و بی‌جواب برای خبرنگاران جنگ بی‌پاسخ مانده، اینکه آیا یک گزارش ارزش به خطر انداختن جان تو را دارد؟ در بسیاری از موارد خبرنگارانی پیدا می‌شوند که پاسخ مثبتی به این سوال می‌دهند. یعنی خطر و گزارشگری را همزمان می‌پذیرند. شاید برخی از گزارش‌ها و رویدادها ارزش خطر کردن را نداشته باشد. اما ماجرای ما در فری‌تاون از این گونه نبود. هر سه نفر امیدوار بودیم مردم جهان به وسیله گزارش‌های ما از این جنگ بی‌معنی منطقه‌ایی باخبر شوند. اگر یک خبرنگار کشته نشده بود و ما نیز مجروح نمی‌شدیم جنگ فری‌تاون هرگز در صدر اخبار جهان قرار نمی‌گرفت. گویا اهمیت این مناقشه به قربانیان سفیدپوست آن بستگی داشت.»تجربه تلخ یان استواتر بارها و بارها برای سایر خبرنگاران و عکاسان جنگ تکرار شده و خواهد شد. گاه پندآموز و هشداردهنده و گاه نیز مانند داستانی جنگی صرفاً خواندنی و سرگرم‌کننده، استواتر در پایان مقاله خود می‌نویسد: «یا خواهم توانست کار خود را ادامه دهم؟ پاسخ مثبت است، ادامه خواهم داد. آیا باز هم جان خود را برای تهیه خبر به خطر خواهم انداخت؟ پاسخ منفی است. حتی اگر تمامی جهان نیز از گزارش من باخبر شوند.

منبع:

Breaking News, Princeton Arch press New York, 2009

نگاهی حقوقی به رسوایی نشریه «اخبار جهان» و نقش نهادهای نظارتی

مدافعان خلافکار آزادی بیان

علیرضا امیرحاجبی



توانایی سوءاستفاده از قدرت را داشته باشند و برای کسب خیر به عنوان ماده اولیه یک کالا دست به هر اقدام غیرقانونی و نامشروعی بزنند. در این زمینه نقشش دفتر ارتباطات (OF COM) بسیار بااهمیت و حساس است. با اینکه پلیس بریتانیا اعلام کرد که تحقیقات خود را در زمینه این رسوایی رسانه‌یی به‌طور جدی ادامه می‌دهد، اما همکاری برخی از نیروهای اسکاتلندیاردار با

هفته‌نامه‌های متخلف باعث شد تا آف‌کام به تحقیقات مستقل پلیس رضایت کامل ندهد و خود نیز روند بررسی این پرونده را از چند جهت مورد دقت قرار دهد. بر طبق بنیانه آف‌کام تمامی جزئیات پرونده پلیس و گزارش‌های بازرسان باید به این دفتر اطلاع و گزارش داده شود، البته بدون هیچ‌گونه پنهان‌کاری یا ملاحظه‌کاری. قطعیت و تحکم بنیانه آف‌کام تا به حدی بود که اسکاتلندیاردبی‌چون و چرا صفحه به صفحه تحقیقات اولیه را به مسئولان دفتر ارتباطات تحویل دادند. (البته تا به امروز) این عکس‌العمل قاطع نظارتی، نشانگر آن است که نهادهای قدرتمند ناظر توانایی اعمال نظر دقیقی را بر نهادهای دیگر دارند. در حقیقت واکنش آف‌کام ثابت کرد: «شبکه جهانی رسانه‌یی دارای هیچ‌گونه کمبودی در زمینه قوانین نظارتی نیست، بلکه مساله بر سر روش‌ها و نوع اقدامات و حجم نظارت بر رسانه‌هاست.» آف‌کام در این ماجرا با طراحی یک جدول زمان‌بندی

این سوءتعبیر و تفسیر شوند که اطلاعاتی که در اختیار آنان است، نهاد متبوع‌شان را تبدیل به نوعی آژانس جاسوسی خواهد کرد. تفاوت‌ها بین یک نهاد امنیتی – اطلاعاتی با یک رسانه چاپی با غیرچاپی بسیار مشخص وواجد مرزهای دقیق و تعریف‌شده‌ای است.

روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌های تابلوید بیشتر مورد این سوءتفاهم (تهدید) قرار می‌گیرند زیرا محتوای آنان با اخبار حاشیه‌ای، زندگی خصوصی و روابط نامشروع هنرپیشگان، سیاستمداران و سایر افراد صاحب‌نفوذ در پیوند است. افتخار هفته‌نامه «اخبار جهان» هم افشاکاری فساد بسیاری از بزرگان بود و به نحوی مخاطبان خود را به این‌گونه اخبار علت داده بودند. این عادت فگتگی تبدیل به نوعی عرضه و تقاضای کاذب و مخرب می‌شود که درنهایت نیز به دلیل فشار افکار عمومی هفته‌نامه را به ورطه سقوط رانهدمایی کرد.

سابقه نظارت بر رسانه‌ها و مطبوعات در بریتانیا به سال ۱۹۳۶ می‌رسد و در ایالات متحده اولین اساسنامه نظارتی بر کار مطبوعات به ۱۹۳۰ باز می‌گردد. سال ۱۹۲۴ اولین نسخه معتبر اصول اخلاقی مطبوعاتی نوشته «تلسون انتریم» (Nelson Antrim) به چاپ رسید که بسیاری از کنشورهای دیگر نیز از آن الهام گرفتند. از سویی دیگر تمامی کشورهای عضو اتحادیه اروپا با امضای کنوانسیون حقوق بشر این قاره، پایبندی خود به دادگاه حقوق بشر را اعلام کرده و مفاد آن را برای همه لازم‌الاجرا دانستند. در بند هشتم از کنوانسیون آمده است: «تمامی شهروندان از حق احترام به زندگی شخصی، خانوادگی، سکونت، ارتباطات و مکاتبات خصوصی برخوردارند.» این درست همان بندی است که هفته‌نامه «اخبار جهان» آن را به‌طور صریح نقض کرده است، خلاقی واضح، اما این بند چالش‌هایی را نیز در بردار، یکی از آن گرهما بند هفتم قطعنامه ۱۰۰۳ شورای اروپا مصوب سال ۱۹۹۳ است: «وظیفه رسانه تأمین و ارائه خدمات اطلاعاتی است و حقوق رسانه‌ها در زمینه آزادی اطلاعات به شهروندان یا مخاطبان رسانه وابسته است.»این بند از قطعنامه متضمن شعار «اطلاعات حق اصولی و بنیادین شهروندان است» خواهد بود که تا حدودی با بند هشتم کنوانسیون که به آن اشاره شده، در تضاد است.

قوانین وجود دارند اما با حرکت‌هایی اعوجاجی در بسیاری نقاط به نقض هم می‌پردازند و این باعث نوعی فضای پنهان‌گریز برای متخلفان در رسانه‌ها شده است. همین ضعف که با نگاه‌های موشکافانه و حقوقی قابل پیگیری و اصلاح است، در بسیاری موارد می‌تواند دستاویزی برای آشفته ساختن تحقیقات شود که آف‌کام در یکی از بنیانه‌های خود به آن اشاره کرده است، هماهنگی و یکسان‌سازی قوانین از جمله مسایل پیش‌روی جامعه جهانی رسانه‌ها و نهادهای حقوقی– نظارتی خواهد بود. رسوایی «اخبار جهان» بیش از آن که شباهتی به واثر گیت داشته باشد، نموداری از ضعف مدیریت و عملکردهای قانونی، مطبوعات و نهادهای ناظر را نمایان کرد. این رسوایی مانند تب شدیدی بود که نشان داد در پی‌گیری‌مندی رسانه‌های جهانی ویروس‌هایی از میان شبکه حفاظتی گلوبال‌های سفید (ناظرین) در حال رفت‌وآمد هستند که می‌توان با اتحادی جهانی و سازمان‌دهی، بازخوانی و بازنویسی قوانین راه را بر آنان بست و اما توصیه‌ای به استهزاکنندگان و منتقدان بی‌منطق که با شذانتاز، مطبوعات و روزنامه‌نگاری را به عنوان عناصر فاسد جامعه معرفی می‌کنند: «یاد آسوده نباشید، شاید در آینده، رسوایی در منزل شما را نیز بزند.»



مجله LIFE

چند معیار حادثه‌نویسی

که موجب ترس و انفعال بی‌فایده می‌شود، چندان قابل انتشار نیست، مگر آن‌که به کشف حقیقت کمکی کند. ۵. در همه جوامع، از جمله ایران، جرایم مختلفی از تخلفات، زانندگی تا قتل‌های فجیع رخ می‌دهد. با این حال، طبق قواعد حرفه‌ای، روزنامه‌نگار و رسانه به دنبال اخباری است که از ارزش خبری بیشتری برخوردارند. ضرب‌کمپایی خبر مهم‌ترین ضابطه ارزش خبری است. هر اندازه یک خبر کمپا‌ت‌ر باشد، ارزش خبری بالاتری دارد. ارزش خبر گاه ناشی از اصل خبر است (مانند قتل‌های سریالی) و گاه ناشی از عوامل انسانی موجود در واقعه مانند شخصیت مرتکب یا قربانی. مثلاً سرعت ساده یک پیراهن از فروشگاه (که در اصل فاقد ارزش خبری است) توسط یک هنرمند یا ورزشکار یا سیاستمدار معروف، در هر حال آنچه به هر خبر حادثه‌ای ارزش خبری می‌بخشد، خصلت کمپایی آن‌هاست. به همین دلیل و برای بهره‌برداری تحلیلی از این قبیل حوادث، ذکر عناصر مهمی که برای یک تحلیل ساده از این خبرها لازم است، باید در گزارش‌ها مورد توجه روزنامه‌نگار قرار گیرد. اطلاعات شخصی مربوط به مرتکب، مانند سن، تحصیلات، شغل و وضعیت طبقاتی، سابقه کیفری و دانستن درباره محیط اجتماعی محل وقوع جرم-شخصیت قربانی، قربانیان و… از جمله این اطلاعات است.

۶. اخبار حوادثی که در نشریات منتشر می‌شوند، قابل

تعمیم نیستند. مثلاً نمی‌توان گفت به دلیل کاهش یا افزایش انتشار چند خبر قتل یا سرقت یا… جامعه امن یا ناامن شده است. تحلیل کلان وضعیت کیفری جامعه، مستلزم بررسی آمارهای کامل در روندهای میان مدت و دراز مدت است. باید هر حادثه در حد و اندازه خود مورد بحث و تحلیل قرار گیرد.

۷. مخالفان انتشار اخبار حوادثی از واژه سیانفمایی برای اثبات مدعای خود استفاده می‌کنند و این را موجهی تلقی می‌کنندبرای لزوم جلوگیری از انتشار اخبار حوادث یا محدود کردن آن. اما مواد سه و چهار قانون مطبوعات را فراموش می‌کنند که به موجب آن نشریات حق انتشار مطالب را دارند و «هیچ مقام دولتی و غیردولتی حق ندارد برای چاپ مطلب یا مقاله‌ای در صد اعمال فشار بر مطبوعات برآید یا به سانسور و کنترل نشریات مبادرت کند.» این گروه نباید فراموش کنند که حس امنیت یا عدم امنیت، پیش از آنکه ناشی از خواندن چند خبر یا گزارش در مطبوعات باشد، ناشی از تجربه روزمره زندگی افراد است.

۸. و بالاخره اینکه یک روزنامه‌نگار حادثه‌نویس باید جامع‌شناسی، روانشناسی و حتی حقوق بلداند تا بتواند از عهده کار مهمی که در سخت‌ترین صفحه روزنامه دارد، برآید.

مرز میان روزنامه‌نگاری زرد و روزنامه‌نگاری تخصصی در رعایت این قبیل معیار است.

شاطر

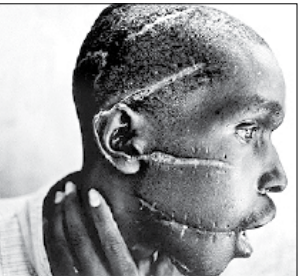
مرور کار نامه جیمز نچوی
عکاس خبری جنگ

پادزهری برای طاعون

■ شاید کمی اغراق باشد که می‌گویند: «عکس خبری بهتر و تاثیرگذارتر از هزار صفحه گزارش خبری است.» اما می‌توان این را به جرات بیان کرد که عکس خبری از مهم‌ترین عناصر خبری چه در قرن بیستم و چه در هزاره سوم است و در این بین عکاسان جنگ، واجداهمیتی مضاعف هستند اما نام چند نفر از این عکاسان به دالایی خاص در صدر فهرست قرار دارد. از جمله: جیمز نچوی متولد ۱۹۴۸ در ایالت ماساچوست آمریکا؛ وی پس از پایان تحصیلات در رشته‌های تاریخ هنر و علوم سیاسی از سال ۱۹۷۰ کار عکاسی خود را آغاز کرد. دیدن عکس‌های عکاسان از جنگ ویتنام، اراده و نگاه نچوی را به سمت گزارشگری تصویری جنگ معطوف ساخت. وی عکاسی را به شکل تجربی آموخت و در حین کار روی کشتی‌های تجاری همراه با عکاسی به ساخت فیلم کوتاه نیز پرداخت. وی در سال ۱۹۷۶ به شکل رسمی کار مطبوعاتی خود را در نیومکزیکو آغاز کرد و چهارسال بعد با مهاجرت به نیویورک مرکز مطبوعات آمریکا با مجلات مختلفی به همکاری پرداخت.

نخستین ماموریت خارجی وی ایرلندشمالی بود. گزارش‌های نچوی در زمینه مبارزات ارتش آزادی‌بخش ایرلند (IRA) سروسوای زیادی برپا کرد. موفقیت وی در این زمینه باعث شد تا تصمیم نهایی خود را بگیرد. نچوی عکاس جنگ خواهد شد.

او عکاس جهان‌وطن و بدون مرز است. از السالودور گرفته تا نیکاراگوئه، گواتمالا، از عراق و افغانستان تا کوزوو. وی از سال ۱۹۸۵ برای مجله معتبر تایم به عکاسی پرداخت و از سال ۱۹۸۶ تا ۲۰۰۱ عضو فعال آژانس عکس خبری مگنوم بوده است. نچوی پنج بار موفق به دریافت جایزه عکس خبری رابرت کایا و دو بار برنده جایزه World



Press شده است.

خصوصیت برجسته نچوی انسان‌مداری شدید و اخلاقی اوست. عکس‌های او نشانگر درک دقیق رنج‌آز انسان یا انسان‌هایی است که تحت تاثیر جنگ قرار گرفته‌اند. همدردی او تا نهایت اسان دوستی ادامه دارد. این همدلی تا به حدی است که آنان‌که در مقابل دوربین‌اش قرار می‌گیرند نیز از او تاثیر می‌پذیرند. احترام همه‌جانبه نچوی به قربانیان و آسیب‌دیدگان مثال‌زدنی است آن‌گاه که منتظریم قربانیان اثر شدت غم و رنج به خبرنگاران توهین کنند او با احترام و مهریانی مرهمی هرچند موقت بر زخ‌های روحی آنان می‌گذارد. نچوی در هیچ زمان مزاحم زندگی کسی نبوده و بی‌جهت به سرکشی محیط خانواده‌ها نمی‌پردازد. او می‌تواند ساعت‌ها در کنار یک زن عزادار بنشیند و عکاسی کند. این روش درس‌های بزرگی است برای عکاسان تازه‌وارد و کوچک. نچوی عقیده‌ای راسخ در زمینه ارتباطات انسانی دارد. وی به عکاسان جنگ چنین می‌گوید: «وقتی فردی به شما اعتماد می‌کند، شما نمی‌توانید بی تفاوت باشید. در حالی‌که این خود صرفاً به همدردی شما نیاز دارد. تنها عکس گرفتن کافی نیست.»

وی در زمینه وظیفه امدادرسانی به حادثه‌دیدگان توسط عکاسان از کلمه «باید» استفاده می‌کند: «اگر شما تنها فرد در صحنه هستید، باید دوربین را به کناری گذاشته و به آسیب‌دیدگان کمک کنید.» این در حالی است که بر طبق قانونی نانوشته، هیچ عکاسی نباید دست‌خالی به مرکز خود بازگردد.نچوی همواره سعی داشته تا از بن‌بست‌های ایجادشده توسط ارتش‌ها و مقامات دولتی فرار کند تا بر این اساس حقایق پوشیده و تلخ جنگ‌ها را به همگان نشان دهد. اما موفقیت او در زمینه عکاسی خبری به عوامل دیگری نیز بستگی دارد از جمله «استقلال حرفه‌ایی.» این ویژگی در مجموعه عکس‌های وی از جنگ اول خلیج‌فارس به خوبی نمایان است. وی می‌گوید: «هنر و عکاسان دیگر تا حد امکان سعی داشتیم از نظارت سربازان آمریکایی فرار کنیم. ما به تغییر لباس و شکل ظاهری و عبور از مراکز بازرسی به عکاسی می‌پرداختیم و بدون اینکه سانسور شویم گزارش‌های خود را ارسال می‌کردیم. ارتش آمریکا به سامان‌دهی رسانه‌ها پرداخته بود آنها می‌دانستند که نیمی از پیرویشان بستگی به نوع اطلاع‌رسانی دارد، ما نیز کاری جز حفظ استقلال و شرافت حرفه‌ایی خود انجام ندادیم.» جذابیت عکاسی جنگ برای نچوی به قدرت تاثیر‌گذاری عکس خبری وابسته است. «عکاسی این قدرت را دارد تا مفاهیم انسانی را به مردم یادآوری کند. اگر بپذیریم که جنگ تلاشی است برای نفی انسانیت، آنگاه باید پذیرفت که عکاسی کششی ضدجنگ است. کنش و اقدامی انسانی و پادزهری برای طاعونی به نام جنگ.»